

اعتصابات وحشی در معادن آفریقای جنوبی و تولد یک حزب جدید کارگران سوسیالیست!

حمید قربانی- ۴ اکتبر ۲۰۱۲

بحران سرمایه داری جهانی که از سال ۲۰۰۸ با ورشکستگی بانک های بزرگ غول واقعی سرمایه یعنی آمریکا شروع شد و چون زلزله ای نه تنها مرکز سرمایه جهانی را لرزاند و قلب آنرا دچار گرفتگی شدید نمود، بلکه تمام جهان سرمایه و بویژه کشورهای امپریالیستی را در نوردید. این بحران در اوائل بعنوان بحران مالی، بحران پول های باد آورده، سرمایه کازینویی ، بحران بانک ها و وام های با بهره کم و نامطمئن نامیده شد. وبوسیله اینولوگ ها و اقتصاددانان نوکر مسلک سرمایه، بر این اساس اندیشیده شد که با تزریق پول یعنی خون و چرک طبقه کارگر، به سیستم بانکی و مؤسسات بحران زده، می توان آنرا درمان نمود و دو باره روز از نو روزی از نو آغاز گردد. بنا بر این و بدین منظور دولت های بزرگ امپریالیستی مثل آمریکا و اتحادیه اروپا صدها میلیارد دلار، یورو و پوند از مخارج عمومی کسر کردند و از پول بازنشسته ها گرفتند، به حلقوم بانک داران و صاحبان شرکت های بزرگ استثمارگر ریختند و اما بانک ها که به گفته یکی از اقتصاددانان کینزگرای سرمایه که چند سال پیش جایزه نوبل اقتصاد از آن خود کرده بود، «به بیمار سرطانی خونی می مانند که از بالا خون تزریق می کنند و از پائین خارج می شود» ، از بحران نجات نیافتند بلکه دولت ها را نیز گرفتار کسری بودجه کردند. دولت ها نیز، باز مثل همیشه مایلند و خود را مجاز می داند و نیز می خواهند این کسری را با اجرای جعبه های ریاضت اقتصادی از گرده طبقه کارگر بکشند. این کار را نیز، فقط می توانند با ایجاد بیکاری وسیع و زدن بیمه های اجتماعی و بهداشتی، کسر نمودن مزایای کاهش یافته و حقوق کارگران، بازنشسته ها ، بیکاران و بالان بردن مالیات بر اجناس و مایحتاج اولیه زندگی مورد مصرف توده طبقه کارگر و نیز خصوصی سازی و چوب حراج زدن بر دارائی ها عمومی تأمین کنند. اما، در واقعیت امر بحران حاضر، یکی از عمیقترین و شاید طولانی ترین بحرانهای تمام عمر سیستم سرمایه داری، بحران ساختاری سرمایه و به قولی این خود سیستم سرمایه است که بیمار می باشد و نه چیز دیگری. و اینکه سیستم موجود تولیدی سرمایه داری با بحران حقیقی و واقعی سیستم کار مزدی یعنی بحران اضافه تولید مواجه است و بیمار واقعی خود سیستم سرمایه داری سرطانترا است. پس در اصل راه چاره برای طبقه کارگر و خیل وسیع زندهگان کنونی که به ۹۹٪ در برابر ۱٪ معروف شده اند، برای نجات از نابودی و به قهقهر رفتن و تن ندادن به جنگ های خانه مان سوز و نیستی آور و از گرسنگی و بی مسکنی نمردن راه حل واقعی بحران کنونی این که در فکر زیر و رو کردن شرایط موجود اجتماعی و پی افکندن سیستم کاملن متفاوت اجتماعی دیگری باشند که در آن نه دیگر از سرمایه کازینویی (بوبلی) خبری باشد و نه از اضافه تولید (اضافه تولید به معنی این

است که فروش کالاهای تولید شده منفعت لازمه برای سرمایه داران یعنی صاحبان ابزار تولید را ایجاد نمی کند و گر نه، هیچگاه نیازهای انسانی را نمی توان نهایت قابل پیش بینی قائل شد. چون رفع نیازهای قدیم بانی تولید نیازهای جدید در انسان است.) ونه از گرسنگی کشیدن انسان و بمب اتمی را نصیب بردن خبری باشد. چنین سیستمی و ایجاد آن ممکن است، ولی به اراده متحد، همبسته و سازمانیافته بویژه سیاسی طبقه کار نیازمند است.

و اما، گفته می شد که اقتصادهایی همچون اقتصاد چین، روسیه، هند و آفریقای جنوبی و.. را بحرانی تهدید نمی کند و یا حداقل، نه بهمین زودی ها. اعتصاب کارگران معدن ماریکانا و در پی آن به گلوله بستن و ایجاد حمام خون، ولی تسلیم نشدن کارگران، نشان داد که چنین کشورهایی بطور واقعی بر روی بشکه باروت قرار گرفته اند. طبقه کارگر و تودههای زحمتکش در این کشورها را، نیز نمی توان برای همیشه با فریب، ایجاد ترس و رعب و کشتار ساکت نگاه داشت. طبقه کارگر در این کشورها مبارزاتی را از سر گذرانده است، تجربیات گران قدر و خون آلودی دارد، زمین لرزه هائی ایجاد کرده است که تمام دنیا سرمایه را از متلاشی نمودن در وحشت مرگ قرار داده است. حال چگونه می شود؟ که روزی ۱۸ ساعت، ۱۶ ساعت و ۱۴ ساعت از آنها کار کشید و حقوق به خور و نمیر نیز به آنها نداد. بشکه باروت در حال اشتعال است و خرمن خشک سرمایه را در مظان سوختن قرار داده است.

هم اکنون در حدود ۷۵ (یورو نیوز ۸۰) هزار نفر از کارگران یا ۱۵ درصد از نیروی کار معادن آفریقای جنوبی در حال اعتصاب هستند. این اعتصابات تولید طلای سفید و زرد و... را مختل و در برخی متوقف نموده اند. این می تواند ضربات کاری بر سیستم در بحران سرمایه نه تنها در آفریقا، بلکه جهان وارد آورد. اکثر کارگران اعتصابی علاوه بر خواسته های رفاهی، خواهان ملی شدن یعنی تحت کنترل کارگری قرار گرفتن معادن می باشند. باضافه و مهمتر اینکه تمام این اعتصابات باصطلاح طبقه سرمایه دار و دولت اش، خارج از چارچوب مقررات کارفرمایان و اتحادیه های زرد و سرمایه سالار با رهبری سوسیال دمکراسی خائن به منافع طبقه کارگر، اعتصابات وحشی (گربه وحشی) و غیر قانونی هستند. این اعتصابات و اعتراضات و تظاهرات توده ای حامی آنها در حال متلاشی کردن طبقه حاکمه در این کشور الیت پرور هستند. الیت سیاه پوست تازه به قدرت رسیده در همکاری با سفید پوستان نژاد پرست به قول عبید زاکانی مسلمان شده (گربه تا زمانی که کافر بود یک یک موش می گرفت، زمانی که مسلمان شد ۵ تانی موش گرفته بود)، خون کارگر را در شراکت با شرکت های چند ملیتی دیگر سرمایه داران امپریالیست مانند انگلیس (معدن ماریکانا و ..)، آمریکا (معادن آنگلو گولد- طلا) و ... به سود تبدیل کرده و به کارگران فخر می فروشند. این اعتصابات باعث شده اند که مسئولین معادنی که کارگزارانشان در حال اعتصاب می باشند، بالاجبار و تحت فشار اعلام کنند که حاضرند با کارگران اعتصابی در باره شرایط شان وارد مذاکره شوند و در حال مذاکره هستند. این در حالی است که اتحادیه ملی رانندگان اتوموبیل های بیابانی اعلام اعتصاب کرده و تحویل بنزین به ایستگاههای بنزین را متوقف نموده است. یکی از آگاهان سیاسی

اقتصادی (analitiker) می گوید که اگر این اعتصاب یک هفته طول بکشد، تمامی پمپ های بنزین خشک شده و نیز صندوق های اتوماتیک پول بانک ها از پول خالی می شوند.

این شرایط رهبر حزب کنگره ملی آفریقا، رئیس دولت آفریقای جنوبی جاکوب زوما و خود سیاست این حزب را تحت فشار و زیر سؤال برده است که در رابطه با رفاه کارگران آفریقای جنوبی از ۱۹۹۴، بعد از سرنگونی رژیم آپارتاید کاری نکرده و حتی شرایط زندگی مادی شان خیلی بدتر از زمان سلطه نژاد پرستان سفید شده است. این را انسان می تواند در مصاحبه با دو کارگر معدن ماریکانا بخواند. آنها می گویند که در آن زمانها کارگران سنگبر به کارگران قوی پیکر و پر قدرت با باوزهای قلمبه شده معروف بودند که مایع افتخار بودند، چونکه مزد زیادی دریافت می کردند و مواد غذایی زیاد از جمله گوشت فراوان می خوردند. ولی اکنون آنها هر کدام ۶۴ و تا ۶۷ کیلو وزن دارند و از باوزهای قلمبه و نوشیدن مشروب و خوابیدن با معشوق خبری نیست، آنها می گویند که یا باید مشروب نوشید و یا با زن خویش خوابید و اگر نه فردا حال پتک زدن و یا ماشین ۲۵ کیلویی را گرفتن نخواهی داشت.

سیلپی یکی از رهبران جنبش دمکراتیک سوسیالیستی اظهار نظر می کند که اعتصابات وحشی که صنعت استخراجی و معدنی آفریقای جنوبی که مهمترین صنعت این کشور بزرگ قاره آفریقا می باشد، از تولید باز داشته است، نه تنها برای افزایش حقوق و بهتر شدن شرایط کار در معدن و بالا رفتن استاندارد زندگی کارگران معدن و کل طبقه کارگر تحت استثمار شدید شرکت های چند ملیتی با شراکت یک الیت سیاه پوست است، بلکه در اصل برای مسئله ای خیلی بزرگتر است. این اعتصابات در کل سیاست احزاب و اتحادیه های موجود بویژه حزب کنگره ملی آفریقا و کنفدراسیون کارگری وابسته به آن (کاسوتو) و مخصوص ان اتحادیه ملی کارگران معدن نوم را زیر سؤال برده و زمینه را برای ایجاد یک حزب جدید سوسیالیست کارگران، یک حزب توده ای کارگری که نه فقط کارگران صنعت معدن بلکه تمام کارگران آفریقای جنوبی و جوانان انقلابی را در خود جای دهد، آماده کرده است. چنین حزبی در حال آماده شدن و می تواند در سال آینده اعلام موجودیت نماید. این نشان می دهد که به گلوله بسته شدن کارگران اعتصابی دو ماه قبل معدن لونمین- ماریکانا و قتل عام ۴۶ نفر از کارگران ، اگر چه دردناک و یک فاجعه بود که فقط در زمان حاکمیت نژاد پرستان سفید پوست بر آفریقای جنوبی نظیرش دیده شده بود و همچنین در رفاه بلاواسطه کارگران اعتصاب کننده تفاوت زیادی (افزایش ۲۲% حقوق) ایجاد نکرد، در رشد آگاهی طبقاتی طبقه کارگر آفریقای جنوبی در کل و بویژه کارگران معدن تأثیر فوق العاده گذاشته است و باعث اعتصاب پشت اعتصاب شده و این موج با قدرت بیشتر در حال عمق یافتن و گسترش است.

رهبر جنبش دمکراتیک سوسیالیستی از جمله می گوید: طبقه کارگر در آفریقای جنوبی نیازمند یک حزب سیاسی و یک دولت از آن خود است. دولت کارگری که تمام اقتصاد را زیر کنترل دمکراتیک خویش قرار داده که اطمینان دهد که عرق و خون ما برای این ریخته نشده و نمی شود که عده قلیلی از آن بهره مند شوند و اینکه درد و رنج ما یک مسئله طبیعی نیست و

پایان پذیر است. کشور ما کشوری خیلی ثروتمند است. این ثروت می تواند و باید برای بهبود و رفاه یعنی بهتر شدن زندگی انسانهای زجر کشیده، لگد مال شده، فقیر و بیکارگردیده به مصرف برسد و کاملن کفایت میکند. اکنون احزابی وجود دارند که برای سیستم موجود یعنی سرمایه داری مفید بوده و رهبران آنها منفعت برده و بهره مند می شوند. هیچ حزبی موجود نیست که منفعت طبقه کارگر را رهبری کند. اگر انسان توجه نماید، می بیند که انسانهایی بیشتری هستند که شرایط رأی دادن را دارند، ولی در انتخابات شرکت نمی کنند، این نه برای این است که این انسانها آگاهی سیاسی ندارند، بلکه کسی منافع آنها را رهبری نمی کند.»

با امید اینکه حزب جدید یک حزب کارگری برای انقلاب اجتماعی باشد و نه یک حزب قانونگرا و پارلمانتاریستی، ولی رادیکال در نخست. در هر صورت با آگاهی موجود طبقه کارگر در آفریقای جنوبی اینکه حزب جدید حزب سوسیالیست کمونیست کارگران باشد که طبقه کارگر را برای یک انقلاب اجتماعی قهرآمیز برای متلاشی کردن دولت کنونی بورژوائی آماده کند، چشم انداز روشن و امید بخشی را نشان می دهد. در ۲۵ تا ۲۸ اوت ۲۰۱۲ اتحادیه کارگران متال این کشور با ۴ هزار عضو کنفرانس ملی سالانه داشت و بعد از این کنفرانس، کمیته مرکزی منتخب جلسه تشکیل داده و بیانیه ای داد که در آن بعد از تأیید اعتصاب کارگران معدن درماریکانا و محکوم نمودن شدید قتل عام کارگران بوسیله نیروهای سرکوبگر در خدمت سرمایه، از جمله اشاره شده است « همچنانکه مارکس و لنین نوشتند: «دولت دستگاه سرکوب طبقه حاکمه بر علیه طبقه محکوم است و اینکه پارلمان بورژوائی مکانی است که در آن نمایندگان جناح های مختلف بورژوازی دور هم جمع می شوند و برای گذاشتن صحنه بر تصمیمات اتخاذ شده در جای دیگر و آنها را شکل قانونی دادن بدانها، می باشد.»

در لینک زیر به زبان انگلیسی می توانید مقالات و گزارشات جالبی را در این رابطه بخوانید.

<http://dailymaverick.co.za/article/2012-10-04-wildcat-strike-movement-may-birth-new-political-party>